

تصویرهای هنری در اشعار عاشورایی اهلی شیرازی و بابافغانی شیرازی

سمایه پروائیان*

دکتر حمید نگارش**

دکتر احمدرضا نظری چروده***

چکیده

مرثیه در اصطلاح به معنای سرودن شعر در رثای شخص است و از نخستین ادوار شعر فارسی وجود داشته است. این گونه ادبی در عصر صفوی با حادثه کربلا پیوند خورد و رفته رفته به صورت یک فرهنگ استوار درآمد. از آن زمان شاعران شیعی به سرودن اشعار مذهبی، به ویژه اشعار عاشورایی و شرح جزئیات وقایع آن، پرداختند. اهلی شیرازی و بابافغانی شیرازی از جمله شاعران بزرگ عصر صفوی هستند که در رثای امام حسین (ع) و شهیدان کربلا اشعار شورانگیزی سروده‌اند. در این پژوهش ۲۶۷ بیت از اشعار عاشورایی شاعران مذکور از دیدگاه تصویرهای ادبی با تحلیل آماری داده‌ها بررسی شده است؛ اهلی شیرازی نسبت به بابافغانی شیرازی کاربردهای هنری تری دارد. اغلب مرثیه‌ها، اوزان سنگین و لحنی آرام و غم‌انگیز دارند. بسامد واژه‌های عربی و نیز واژه‌هایی با گفتمان عزاداری عاشورا (مانند کربلا، خون، شهید، غم و...) در همه مرثیه‌ها چشمگیر است. ساختار نحوی بسیاری از جمله‌ها به ضرورت شعر به هم ریخته، ولی این دگرگونی‌ها در شعر متداول بوده و برجستگی محسوب نمی‌شود. از نظر فکری نیز همه مرثیه‌ها مؤید شیعی بودن شاعران است؛ نسبت دادن حادثه عاشورا به فلک که نوعی جبرگرایی است، در این اشعار چشمگیر است. مهم‌ترین برآیند پژوهش حاضر، آشکار کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های ادبی مرثیه‌های این دو شاعر و شناخت دیدگاه آنان نسبت به سیدالشهدا (ع) است که تزکیه روح در چشمه زلال سوگواری عاشورا را در پی دارد.

واژه‌های کلیدی: مرثیه، امام حسین (ع)، تصویرهای ادبی، اهلی شیرازی، بابافغانی شیرازی.

* دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

Email: parvaeian@auak.ac.ir

** رئیس پژوهشگاه علوم انسانی امامصادق (ع). (نویسنده مسؤول)

Email: mh.negaresh@ut.ac.ir

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران.

Email: a.nazari@iau-astara.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

۱- مقدمه

مرثیه یا رثا در اصطلاح ادب، بر اشعاری اطلاق می‌شود که در ماتم گذشتگان و تعزیت بازماندگان و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و بزرگان و ذکر مصائب ائمه اطهار و تجلیل از منزلت شخص متوفا و تعظیم مصیبت و دعوت ماتم‌زدگان به صبر و سکون سروده شود. (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۸۶)

برخی از محققین شروع مرثیه فارسی را به طور جدی از رودکی می‌دانند. (همان: ۷۰ و یوسفی، ۱۳۷۴: ۴۲) تقسیم‌بندی مرثیه غالباً بر اساس محتوا و موضوع است. به طور کلی مرثیه به دو شاخه اصلی: مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می‌شود. در میان مرثیه‌های عاشورایی در ادبیات فارسی کثرت بیشتری دارند زیرا در درازنای تاریخ، هیچ واقعه‌ای چون کربلا تکان‌دهنده نبوده است. در آیین عاشورا و حادثه شهادت امام حسین^(ع) می‌توان عاقبت خیر و شر را نظاره کرد؛ مرثیه‌سرایی که بیان عاطفی مظلومیت امام حسین^(ع) و سختی‌ها و مصائب کربلاست، در ادبیات جهان جایگاه منحصر به فردی دارد.

در عصر صفوی که حاکمان به شعر التفات ویژه‌ای داشتند، تلاش جدی شاعران چون اهلی شیرازی و بابافغانی شیرازی جانی دوباره در شعر دمید و اشعار مورد قبولی در ستایش اهل بیت^(ع) به نظم درآمد. در میان اشعار این شاعران، مرثیه‌هایی در یادکرد امام حسین^(ع) و یارانش و مصائب ایشان دیده می‌شود. در این اشعار عاشورایی، ضمن شرح مناقب امام حسین^(ع)، به جزئیاتی از حادثه کربلا نیز اشاره شده است. لعن و نفرین یزید و شمر و دشمنان اسلام و دعای مؤمنان و گرفتن انتقام خون اباعبدالله^(ع) از مضامین عمده این گونه اشعار است؛ بنابر اهمیت که مرثیه‌های این شاعران در شناساندن فرهنگ عاشورا دارند، در پژوهش حاضر اشعار آنان از منظر تصویرهای ادبی بررسی شده است.

۲- کلیات پژوهش

۲-۱- ضرورت و هدف پژوهش

پیگیری ژانر مرثیه و به ویژه مرثی عاشورایی از ضرورت‌های پژوهش در ادبیات فارسی است؛ بر این اساس تحقیق درباره تصاویر هنری وادبی مرثی نیز در دوره‌های مختلف ضروری است؛ از این منظر عصر صفوی، به دلیل رسمی شدن تشیع و حمایت حاکمان از اشعار مذهبی، از اهمیت بالاتری برخوردار است. عمده‌ترین هدف این پژوهش بررسی ساختار هنری مرثیه‌های اهلی شیرازی و بابا فغانی شیرازی - این دو شاعر نامور قرن نهم و دهم هجری - و مقایسه آنها با یکدیگر است. شناخت مضامین و درونمایه‌های این مرثی، نگارنده را در جهت درک جهان اندیشگی وانگیزه سرایش این شاعران مساعدت خواهد کرد.

۲-۲ پرسش‌های پژوهش

۱. ویژگی‌های برجسته هنری در مرثی عاشورایی اهلی شیرازی و بابافغانی کدام است؟
۲. از نظر ادبی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان مرثی این شاعران وجود دارد؟
۳. در سطح فکری توصیفات این شاعران درباره امام حسین^(ع) و یارانش و نیز دشمنان او به ویژه یزید و شمر چگونه است؟

۲-۳ پیشینه پژوهش

پیش از این درخصوص ژانر مرثیه در ادبیات فارسی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ مانند:

مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی ایران، امامی، نصرالله، تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹: که به بررسی موضوع مرثیه‌سرایی از آغاز تا پایان دوره قاجاریه پرداخته است و در آن مرثیه‌سرایان مطرح این دوره‌ها نیز معرفی شده‌اند.

بررسی مرثیه و مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی از پایان عصر صفویه تا آغاز مشروطه، رجبی، پروین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه ولی عصر رفسنجان، ۱۳۸۹.

گونه‌های سبکی در مرثیه‌سرایی فارسی، صالحی مازندرانی، محمدرضا و دیگران، بهار ادب، ش ۲۵، ۱۳۹۳.

درخصوص دو شاعر مورد بحث نیز تحقیقاتی به صورت مقاله یا پایان‌نامه انجام گرفته، اما این بررسی‌ها معمولاً تک بعدی یا عمومی بوده و مسأله‌مآلی و تحلیل ادبی و مقایسه این دو شاعر اکیداً انجام نشده است؛ اهم این پژوهش‌ها به قرار زیر است:

طرز بابافغانی، حکیم آذر، محمد، گوهر گویا، ش ۹، ۱۳۸۸.

بررسی حوادث کربلا مندرج در اشعار رثایی اهل‌ی شیرازی، نبی‌لو، علیرضا، شیعه‌شناسی، س ۷، ش ۲۷، ۱۳۸۸.

بررسی سبک شعری اهل‌ی شیرازی، صمدین، حسین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۹.

شرح احوال و نقد آثار اهل‌ی شیرازی شاعر دوره صفوی، کارگر، محمدحسین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌وادبیات فارسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، ۱۳۸۹.

تأثیر بابافغانی بر جریان‌های شعری عصر صفوی، مؤذنی، علی‌محمد و امیر ضیغمی، گوهر گویا، ش ۱۸، ۱۳۹۰.

نویسندگان بابافغانی شیرازی (م. ۹۲۵ق) را از شاعران دوران‌ساز ادبیات فارسی دانسته و بر این اعتقادند که طرز تازه او، ۲۰۰ سال شعر فارسی را به انحای گوناگون تحت تأثیر خود قرار داده است.

بررسی عاشوراسروده‌های دوره صفویه و قاجاریه، صمدزاده، الناز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌وادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ۱۳۹۲.

۴- ۲ روش پژوهش

روش تحقیق در این رساله، توصیفی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، اسنادی (کتابخانه‌ای) است. با مراجعه به دواوین دو شاعر، ۸ شعر رثایی در سوگ امام حسین^(ع) و یارانش به عنوان جامعه آماری این پژوهش گردآوری شد که مجموعاً ۲۶۷ بیت است؛ نگارنده پس از جمع‌آوری اطلاعات به توصیف تصاویر ادبی و هنری ابیات مرثیه‌ها دست یازیده و در نهایت نیز تحلیل براساس یافته‌های استخراج شده صورت گرفته است.

۳- مختصری درباره زندگی و آثار دو شاعر

۱- ۳ اهلی شیرازی

محمد بن یوسف اهلی شیرازی از شاعران نام‌آور قرن نهم و نیمه اول قرن دهم هجری است که در حدود سال ۸۵۸ هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. مدت طولانی‌ای از اواسط قرن نهم تا بخشی از نیمه اول قرن دهم نیز در قید حیات بوده است. (صفا، ۱۳۶۸: ۴۴۷) از کتاب هدایه العارفین منقول است که اهلی را سیزده کتاب است به شرح ذیل:

- ۱- تحفه السلطان فی مناقب النعمان ۲- ترجمه مواهب الشریعه ۳- دیوان شعر ۴- رباعیات گنجفه ۵- رساله عروض و قافیه ۶- رساله معما ۷- زبده الاخلاق ۸- مثنوی سحر حلال ۹- قصاید مصنوعه در مدح امیرعلیشیر ۱۰- سرالحقیقه ۱۱- مجمع البحرین ۱۲- مخزن المعانی ۱۳- شمع و پروانه. (اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۱۲)

۲- ۳ بابافغانی شیرازی

بابافغانی شیرازی از زمره مهم ترین شعرای شیعی نیمه دوم قرن نهم و ربع اول قرن دهم هجری است. (تفضلی، ۱۳۷۲: ۱۰۸) او را از بزرگ ترین شعرای غزلسرا در قرن دهم هجری می‌دانند. (نقیسی، ۱۳۶۳: ۱ / ۴۳۷) دیوان فغانی در بردارنده بیست و چهار قصیده، سه ترکیب‌بند، یک ترجیع‌بند، تعداد کمی قطعه و رباعی و نیز چند تک بیت است. بیشتر قصاید بابافغانی در

متقبت ائمه شیعه و به خصوص امام رضا^(ع) سروده شده است. از سه ترکیببند او، یکی در رثای امام حسین^(ع) و ائمه تشیع است.

۴- تصویرهای هنری مرثیه‌های دو شاعر

ما در این مقاله هفت قصیده از اهلی شیرازی و یک ترکیببند از بابافغانی شیرازی را بررسی کرده‌ایم. همه ابیات از نظر ادبی و هنری و فکری تحلیل و داده‌های توصیفی استخراج شده‌اند.

۴-۱ مرثیه‌های اهلی شیرازی

۱. قصیده شاه شهید کربلا

با مطلع:

ماه محرم است و شد دجله روان ز چشم ما بهر حسین تشنه لب شاه شهید کربلا
(اهلی شیرازی: ۴۲۲)

از پی جیفه جهان خون حسین ریختند لعنت حق بران سگان سگ نکند چنین جفا
در این بیت جیفه، استعاره مصرّحه از مادیات دنیوی است و سگان استعاره مصرّحه از دشمنان امام حسین^(ع). میان «جیفه» و «جفا» نیز آرایه شبه‌اشتقاق برقرار است. در این شعر، ۱۰ استعاره مصرّحه (آتش استعاره از درد و رنج بسیار؛ آب حیات استعاره از امام حسین^(ع)؛ یزید استعاره از حاکم ستمگر زمانه؛ آینه استعاره از قلب شاعر؛ ۵ استعاره مکنیه (چرخ، استعاره مکنیه)، ۹ کنایه (جامه قباکردن: دریدن جامه از شدت اندوه و ناراحتی بسیار)، ۵ تضاد، ۳ اغراق، ۳ تلمیح (داستان خضر^(ع) و آب حیات / ازدها و فروبردن: عصای موسی)، ۲ مجاز، ۲ حشو ملیح، احسن تعلیل و نیز اثبیه (بیت ۱۵: تشبیه تیغ یا شمشیر علی^(ع) به ازدها که تلمیح به عصای موسی^(ع) نیز دارد) به کاررفته است؛ تقریباً همه ابیات تناسب دارند؛ در ۱۲ مورد، شاعر به تناسب بیشتر توجه کرده است (غم، ماتم، جامه‌دریدن / سعی، صفا، مروه، کعبه). در این قصیده، استعاره مصرّحه بیش از استعاره مکنیه به کاررفته و به آرایه‌های معنوی نیز التفات شده است.

حلق حسین می برد تیزی تیغ بی امان جان حسین همی گزد تلخیزهر جانگزا

از نظر موسیقی درونی، تکرار واج های «ت»، «ز» بر زیبایی بیت افزوده است؛ نیز واژه «حسین» تکرار شده است. در این قصیده با ۵ جابه جایی اجزای جمله به ضرورت رعایت وزن مواجهیم. ۵ واج آرای، ۱۰ واژه آرای (تکرار واژه تیغ) و ۴ جناس (اهل و اهلی) نیز بر موسیقی ابیات تأثیر گذارده‌اند. ۴ بهره‌گیری از توصیف، ۵ کاربرد جملات دعایی و ۱ استفهام تقریری، برغناهی قصیده افزوده است. کاربرد لغات عربی متداول دیده می‌شود. بسیاری از جملات دستورمند نیستند.

روز عزاست ای پسر سعی صفا چه می‌کنی کعبه سیاه‌پوش شد رفت ز مروه هم صفا از نگاه شاعر، آنچه درد واقعه کربلا را مضاعف کرده، تنها بریدن گلوی امام حسین^(ع) نیست، بلکه نامردی‌ها و پیمان‌شکنی‌های دشمنان اسلام و مصائبی است که بر سر اهل بیت^(ع) فرود آمده و آینده دردناکی که در انتظار آنان بوده، روح حضرت را متقبض و افکارش را پریشان می‌ساخت. در این قصیده، هدف شاعر انجام وظیفه مسلمانان و حمایت از اهل بیت^(ع) جهت دستیابی به شفاعت آنان و غفران الهی است. مضامین عمده قصیده نیز مؤید همین مطلب است. این موضوعات عبارتند از: گریستن بر شهدای کربلا، بیان فضایل امام حسین^(ع)، سخن‌گفتن از شأن و شوکت آن حضرت، لعن و نفرین دشمنان امام حسین^(ع) به ویژه یزید و شمر، شکایت از بیوفایی دنیا، یادکرد مولاعلی^(ع) و امام مهدی^(عج) و طلب آموزش از پروردگار.

۲. قصیده نثار شهیدان کربلا

با مطلع:

این نقد دل نثار شهیدان کربلا چون خاک رهگذار شهیدان کربلا

(اهلی شیرازی: ۴۲۳)

این نقد دل نثار شهیدان کربلا چون خاک رهگذار شهیدان کربلا

نقد دل: تشبیه بلیغ، تشبیه دل به خاکی که در رهگذر شهیدان کربلا افتاده، تکرار: ردیف ترکیبی (شهیدان کربلا). در این قصیده ۳۰ بیتی، ۱۰ تشبیه فشرده و گسترده (تشبیه کوه طور به سنگ)، ۸ استعارهٔ مکنیه، ۳ استعارهٔ مصرّحه، ۶ کنایه، ۱۰ امرعات نظیر، ۵ ترکیب وصفی، ۳ تلمیح (طوفان نوح) و احسن تعلیل و انماذ و تضاد و امجاز و اغراق به کاررفته است. استفادهٔ فراوان شاعر از صناعات معنوی نشان می‌دهد که وی از صمیم دل به موضوع کربلا علاقه دارد؛ بنابراین، ظواهر را به کناری نهاده و بیشتر به معنا پرداخته است.

طوفان نوح سرنزد از کربلا عجب از چشم اشکبار شهیدان کربلا
واژهٔ عجب (شبه‌جمله) به تنهایی یک جمله به شمار می‌آید. تتابع اضافات: چشم اشکبار شهیدان کربلا. استفادهٔ شاعر از واژه‌های عربی بسیار قابل توجه است. به هم‌ریختن شکل دستورمند جملات به ضرورت شعر و نیز برای تأکید در ۱۲ مورد به چشم می‌خورد. همچنین شاعر از واژه‌های خاص و یا شکل صرفی خاص (همراه با باء تأکید) استفاده کرده. ۷ واج‌آرایی، ۳ واژه‌آرایی یا تکرار واژه (حصار / کعبه / طوفان)، ۲ جناس اشتقاق، اسجع و ۵ تتابع اضافات در این قصیده به کاررفته است. موسیقی کناری: کاربرد ردیف شهیدان کربلا.

از جور عهد و از ستم کوفیان شوم این فتنه شد دچار شهیدان کربلا
شاعر حادثهٔ کربلا را نتیجهٔ ظلم روزگار و ستمگری اهالی کوفه می‌داند که به عهدشان با امام حسین^(ع) پایبند نماندند و پیمان شکستند. در کل، مهم ترین اندیشهٔ برآمده از فحوای کلام در این قصیده، حبّ امام حسین^(ع) و یاران وفادار اوست که شاعر با بیان حوادث کربلا، در پی کسب مقام قرب الهی و دریافت غفران خداوند و دستیابی به بهشت است. مهم ترین مضامین به کاررفته در این قصیده عبارتند از: تقدّس خاک کربلا، تقدّس خون شهیدان کربلا، تقابل زندگی و مرگ و مفهوم حیات حقیقی با استفاده از تمثیل آب خضر^(ع)، بیان عظمت مصائب عاشورا و هولناکی آن در مقایسه با طوفان نوح^(ع)، بیان تشنگی شهدای کربلا، نکوهش کوفیان و تقریر ستمگری آنان. در بخش پایانی قصیده نیز، شاعر با سوگند حق تعالی با میانجی قراردادن پیامبر و ائمه، برای عفو گناهان از خداوند طلب مغفرت کرده است.

۳. قصیده درد حسین

با مطلع:

آمد عشور و خاطر م افگار کرده است درد حسین در دل ما کار کرده است

(اهلی شیرازی: ۴۲۷)

آغشته شد به خون، سر و فرقی که موی او خون در درون نافه تاتار کرده است بیت مبالغه دارد؛ تشبیه مضمّر و تفضیل موی سر امام حسین^(ع) به نافه تاتار؛ خون در درون نافه تاتار کردن: کنایه از شدت خوشبویی؛ سر، مو، فرق: تناسب دارند. در این قصیده ۶ تشبیه فشرده (لباس شب) و ۲ تشبیه گسترده، ۱۰ استعاره مصرّحه، ۸ استعاره مکنیه (لباس پوشیدن خورشید / لب کبود کردن نیل)، ۱۵ کنایه (لب کبود کردن)، ۱۲ تناسب، ۸ تضاد، ۳ اغراق، ۳ تلمیح، ۲ احسن تعلیل و نیز ۱۲ ایهام تناسب، به کاررفته است. شاعر استفاده از آرایه‌ها را تنها در جهت تقویت معنا و بیان مؤثر مضامین مذهبی جایز شمرده و نسبت به آرایش‌های لفظی کلام بی‌اعتناست.

خورشید را به ماتم او هرشی فلک پوشیده در لباس شب تار کرده است

شب و شبی: تکرار، خورشید: مفعول مقدم، به: درمعنای در به کاررفته، آوردن ضمیر بدون مرجع، منظور از ماتم او: ماتم حسین^(ع).

در مصر اگر نه شور عزای حسین خاست نیل از چه لب کبود، عربوار کرده است نیل، لب را کبود کرده: تشخیص؛ لب کبود شدن: کنایه از ناراحتی؛ حسن تعلیل: اینکه نیل غمگین و ناراحت است، به جهت عزای حسین است. برای تقویت موسیقی سخن، از ۹ سجع، ۴ جناس، ۲ تابع اضافات، ۲ واج‌آرایی و ۱۰ واژه‌آرایی (تکرار خون) بهره برده است. لغات عربی کاربرد فراوان دارد. همچنین از واژگان و شکل صرفی خاص همچون جایگزینی پیشوندها به جای یکدیگر، تخفیف کلمه‌ها، کاربرد انواع حروف با معنای متفاوت و... استفاده شده است. ۳ حذف به قرینه لفظی و ۹ نادرست‌مندی جمله نیز در نحو کلام به کاررفته، که مرثیه را در عین سادگی، منحصر به فرد کرده است.

بهر حسین تشنه جگر دشت کربلا باد صبا سموم جگرخوار کرده است

اهلی چشمان خود را مخاطب قرار می دهد و می گوید: ای دیده آنقدر گریه کن که از اشکهایت سیل جاری شود، زیرا حسین^(ع) از بی آبی و تشنگی خسته و رنجور شده و طاقت ندارد. می گوید: برای امام حسین^(ع) که در صحرای کربلا تشنه جگر است، باد صبا، بادهای جگرسوز و آتشین به راه انداخته است.

فرارسیدن ایام عزاداری محرم، شاعر را بسیار غمگین و افکار او را پریشان کرده است. از نظر فکری، شاعر یک شیعه تمام عیار است و پس از بیان مصیبت‌ها به نکوهش یزید و شمر پرداخته است. اهلی شیرازی طبیعت را نیز با خود همگام می بیند و احساس می کند که زمین و زمان در رثای شهیدان کربلا خون گریه می کنند. به زعم شاعر، پیروزی نهایی از آن حسینیان و شیعیان پیرو سیدالشهداست.

۴. قصیده ماه ماتم و غم

با مطلع:

آمد عشور در همه ماتم گرفته است آه این چه ماتم است که عالم گرفته است
(اهلی شیرازی: ۴۳۰)

ماه محرم آمد و بیگانه را چه غم کاین برق غم به سینۀ محرم گرفته است
برق غم: تشبیه بلیغ؛ محرم و محرم: جناس ناقص؛ شاعر از ۶ تشبیه فشرده، ۲ تشبیه گسترده (خرمی و شادمانی به سیمرخ)، ۴ استعاره مصرحه (سگ استعاره از یزید، آینه جم: استعاره از دل آگاه، شاه استعاره از امام حسین، قبله اعظم: استعاره از امام حسین)، ۷ استعاره مکئیّه (تشنه بودن کربلا، جان نیزه و پرچم: تشخیص)، ۳ کنایه (زمین و زمان: کنایه از تمام جهان، قاف تا به قاف: کنایه از تمام جهان)، ۸ امراعات نظیر (نیزه، خون، سرخ و پرچم، ناوک و پیکان، شراب، مستی و کباب)، ۴ تضاد (حسین و یزید، کدورت و خرمی)، ۲ تلمیح (داستان یوسف^(ع) و فروش او به ثمن بنخس)، ۲ حسن تعلیل، ۱ مجاز، ۱ مبالغه و ۴ ترکیب وصفی بهره برده است. برجستگی خاصی در کاربردهای ادبی مشاهده نمی شود و آرایه‌ها مسبوق به سابقه هستند و در شعر سایر

شعرای زبان فارسی نیز کاربرد داشته‌اند. در این قصیده نیز مانند قصاید دیگر اهلی شیرازی، از بخش مقدمه قصیده (تغزل) خبری نیست.

سوزِ دلِ کبابِ حسینش چه غم بود

مستی که خود شراب دمام گرفته است

مصراع دوم: بدل ضمیر ش در حسینش؛ مصراع اول: تتابع اضافات؛ در مصراع اول خبر مقدم بر نهاد شده؛ حذف نشانه مفعول، جابه جایی حروف و واژه‌ها، باء تأکید و کاربردهای صرفی لغات مورد توجه شاعر است. استعمال واژه‌های عربی در این قصیده چشمگیر است. در بخش موسیقایی زبان، ۲سجع (خرید و یزید و چون در کنار هم هستند ازدواج)، ۳جناس (زمین و زمان، خرید و خری)، ۸واژه‌آرایی (تکرار سگ، آب، محرم، جهان، شور) و ۳تتابع اضافات (خونِ اهلِ بیتِ نبی) وجود دارند. حذف فاعل و تقدّم و تأخر اجزای جمله به ضرورت وزن شعر و یا تأکید بوده و چندان نامتعارف نیست.

زان غم بگشت آب فرات از حسین دور

طوفان غصه در دل زمزم گرفته است

شاعر این عزا و ماتم را عالمگیر می‌داند، اما نامحرمان با محبتِ اهل بیت را مستثنا می‌کند و معتقد است که در دل آنان اثری از سوگ و اندوه وجود ندارد. اهلی، تشنه‌بودن امام حسین^(ع) و یارانش را به یاد می‌آورد و با حسن تعلیل خاک کربلا را از غم حوادث عاشورا، تشنه‌جگر و بی‌آب می‌داند که آب زمزم نیز غصه در دل دارد. از منظر اندیشگی همه ابیات این قصیده مهر تأییدی است بر شیعه بودن اهلی و حبّ امام شهدا^(ع) که شاعر با تمام وجود در پی بیان مصیبت‌هایی است که در روز عاشورا بر سر شهیدان آمده. اهلی علاوه بر ستایش امام حسین^(ع) و ذکر مناقب ایشان، لبه تیز هجو خویش را متوجه شمر و یزید می‌کند. شاعر، آسمان و فلک را که در روز عاشورا به یاری شهیدان کربلا نشناخته‌اند، مقصّر دانسته از آنان انتقاد می‌کند. در همه مرثیه‌ها اهلی تنها به دنبال طلب مغفرت الهی از طریق دستاویز قراردادن قصاید رثایی و شفاعت سیدالشهداست.

۵. قصیده خون حسین

با مطلع:

چرخ از شفق نه صاعقه در خرمنش گرفت

خون حسین تازه شد و دامنش گرفت

(اهلی شیرازی: ۴۴۲)

در بیت مطلع، حسن تعلیل: شاعر علت صاعقه را انتقام خون حسین^(ع) می‌داند؛ چرخ، شفق و صاعقه: مراعات نظیر؛ دامن چرخ: استعاره مکنیه؛ از دیدگاه ادبی، شاعر در این مرثیه از ۱۱ آرایه بهره برده است: ۱۲ مراعات نظیر، ۱۰ تشبیه فشرده (آتش بلا، صیدگاه عمر، خانه دل، طوق لعنت)، ۶ تشبیه گسترده (چشم به پرویزن، شمر به سگ)، ۹ کنایه، ۸ استعاره مکنیه (پیراهن گردون، خطای چرخ، صاعقه گرفتن چرخ)، ۶ تضاد (روز و شب، مرد و زن)، ۴ تلمیح، ۳ مجاز، ۳ ترکیب وصفی، الغراق و ایهام تناسب (خطا: گناه و نام سرزمین) و احسن تعلیل. انواع تشبیه با ۱۶ مورد پریسامدتر از سایر آرایه‌هاست. آرایه‌های معنوی بیش از صناعات لفظی مطلوب شاعر است.

در خون نشست ساکن نه مسکن فلک

از رستخیز گریه که در مسکنش گرفت

واج‌آرایی: س؛ گریه، خون و رستخیز: واژه‌هایی برای انتقال معنای ماتم و عزا؛ ساکن و مسکن: جناس اشتقاق؛ در این قصیده ۶ واج‌آرایی، ۹ واژه‌آرایی (تکرار روز، خون)، ۸ جناس، اتباع اضافات و اسجع به کاررفته است. گرفت: ردیف فعلی، واژه‌های عربی و لغات غیرفارسی نیز در این قصیده پریسامد است. برای دستیابی به معنای مورد نظر، شاعر واژه‌ها را با ویژگی‌هایی خاص به کار برده است؛ مثلاً استعمال «که» به جای «تا»، صرفه‌جویی در آوردن نشانه مفعول (را) و.... بسیاری از ابیات نیز به ضرورت شعری، دستورمند نیستند و فعل بر جمله مقلّم شده، همچنین برای تأثیر بیشتر کلام در دو مورد بیت به صورت استفهام انکاری (پرسش تقریری) بیان شده است.

بدبخت هر دو کون شد از کودنی یزید

کاین راه ناصواب دل کودنش گرفت
از نظر اهلی، شمر هیچ گاه نمی تواند از عذاب الهی رهایی یابد و این برق مرگ آگین سرانجام جاننش را خواهد گرفت. شمر و یزید و دیگر دشمنان شهیدان کربلا چنان گناه بزرگی مرتکب شدند که آتش قهر الهی سرتاپای آنان را خواهد سوزاند. اهلی شیرازی همانند بسیاری از شیعیان علاوه بر دوستی امام حسین^(ع)، مدام در حال لعن و نفرین یزید و شمر است و پیوسته کینه آنان را در دل می‌پرورد. وی همچنین در مرثیه خون حسین^(ع) به طور ویژه به ریشه حوادث کربلا، یعنی حب دنیا، پرداخته و از خداوند می‌خواهد او را در غلبه بر دیو نفس و شیطان هوا یاری دهد تا بتواند از جاه و مال دنیوی چشم بپوشد.

۶. قصیده حسین تشنه لب

با مطلع:

ای دل ز سوز گریه جگر را کباب کن

یاد از حسین تشنه به چشم پر آب کن

(اهلی شیرازی: ۴۹۷)

تا چند وصف دست و دل و بحر و کان کنی

ای دل سخن ز دست و دل بوتراب کن

منادای دل: تشخیص؛ تشبیه: دست و دل به بحر و کان؛ دست و دل و بحر و کان: لف و

نشر؛ بوتراب: لقب حضرت علی و کنایه از ایشان.

وین جامه سفید که بر مه درین عزاست صدپاره چون کتان ببر ماهتاب کن

تلمیح: باور قدیمی که نور مهتاب موجب پوسیدن پارچه کتان می‌شود؛ جامه پوشیدن ماه:

تشخیص؛ جامه سفید: استعاره مصرّحه از نور مهتاب؛ تناسب: جامه، کتان، پاره، پوسیدن. در این

قصیده شاعر از ۹ آرایه سود جسته است: ۱۱ تشبیه فشرده (تیر فلک، زاغ شب)، ۷ تشبیه گسترده،

۲ استعاره مصرّحه (جامه سپید: استعاره مصرّحه از نور، ظلمت استعاره از اوضاع نابسامان زندگی)، ۱۵ استعاره مکنیه (جامه سپید پوشیدن ماه بر ماهتاب)، ۷ کنایه (رخ نمودن و کشف حجاب کردن: آشکارشدن، خون: کشتن و قتل)، ۱۷ مراعات نظیر (تیر، فلک و مشتری، قلم، خط، فتوی)، ۱۰ تضاد (مؤمن و مشرک، پیر و شباب)، ۶ ترکیب وصفی، ۳ تلمیح، ۲ مجاز و ۱ پارادوکس در بیت ۱۹ قصیده دیده می‌شود (سوزاندن آب):

آبی که دور شد ز حسین، از تبش بسوز

سرتاسرش در آبله غرق از حباب کن

تیرفلک قلم شکنش زین خط خطا

بر مشتری به فتوی این خون عتاب کن

خط و خطا: جناس ناقص؛ کاربرد واژه‌های عربی: فلک، قلم، خطا، فتوی، عتاب. در این قصیده ۲ جناس، ۲ واج آرایی (مصوت) و ۷ واژه آرایی (تکرار خاک و دل) بر موسیقی کلام افزوده‌اند. حروف ربط و اضافه به تناسب ساختار جمله و رعایت وزن و قافیه، با تغییرات اندکی ظاهر شده‌اند. نادرست‌مندی برخی جمله‌ها، تعقیدی در درک جملات ایجاد نکرده است. واژه‌های عربی نیز از بسامد بالایی برخوردارند: ظلمت، حیات و حجاب.

نرگس که بی‌گل رخ او چشم کرد باز بازش به خوابگاه عدم مست خواب کن
شاعر زهره، مشتری، ماه، کره اثیر (آتش)، هوا، آب، خاک، شب، بهار، نرگس، گل و کلّ
کائنات را مقصر و گناهکار در شهادت حسین (ع) می‌داند و از حضرت علی (ع) می‌خواهد که آنان
را به انحراف گوناگون ناپود کند. این قصیده نیز مانند سایر اشعار رثایی اهلی، برخاسته از بینش
مذهبی و شیعه‌بودن وی است؛ اگرچه این قصیده به بهانه رثای حسینی سروده شده اما به جز دو
بیت آغازین قصیده، در ۳۶ بیت باقیمانده شاعر به بیان فضایل علی (ع) پرداخته و از ایشان استمداد
نموده تا به هر شیوه‌ای، عاملان حادثه عاشورا و مصائب پیش‌آمده را تنبیه و مجازات نماید.

۷. قصیده در ماتم حسین^(ع)

با مطلع:

واحسرتا که دیده ز حسرت پرآب شد

در ماتم حسین علی دل کباب شد

(اهلی شیرازی: ۴۶۹)

در ساعتی که شاه شهیدان تشنه لب چون چشمه حیات به زیر نقاب شد تشبیه: شهادت امام حسین^(ع) به پنهان شدن آب حیات در ظلمات / زیر نقاب شدن: کنایه از شهادت و از دنیا رفتن. در سطح ادبی این قصیده از ۱۰ آرایه می توان نام برد: ۶ تشبیه فشرده (باد عدم، باد فتنه، بحر فلک)، ۴ تشبیه گسترده، ۳ استعاره مصرّحه (سگان و کلاب: استعاره از دشمنان امام حسین؛ شاه عرب: کنایه از امام حسین^(ع))، ۶ استعاره مکنیه (گردون، فلک)، ۹ کنایه (از خون خضاب شدن دست: کنایه از قاتل بودن)، ۳ مجاز (سحاب: مجاز از آسمان)، ۶ تضاد (زیر و زبر)، ۷ تناسب (بحر و محیط و آب)، ۲ ترکیب وصفی، ۱ تلمیح (به پنهان شدن آب حیات در تاریکی) و اردالصدر الی العجز (در بیت سی ام) و ۱۱ همام ترجمه در بیت ۲۷ وجود دارد:

بر فرق عرش پای شرف گر نهد رواست هرکس که خاک در قدم بوتراب شد

(تراب در بوتراب ایهام ترجمه است؛ در معنای دوّم، خاک است.)

بیشتر آرایه ها از نوع معنوی هستند، جز آرایه ردالصدر الی العجز که مربوط به تکرار لفظ است.

فرق شریف آل علی بر زمین چراست؟

چتر یزید از چه سبب بر سحاب شد؟

در این بیت هر دو مصراع آرایه استفهام انکاری دارند. ۹ جناس (باد و باد، زیر و زبر، حشر و نشر) و اواج آرایه (حرف ش: شاه شهیدان تشنه لب) و ۸ واژه آرایه (تکرار روزگار) به کلام موسیقی بخشیده اند. واژه های عربی نیز پربسامد است (مُلک، غافل، حشر، نشر، ثواب و عقاب). عدول از هنجار زبان در بخش نحو جملات، با کاربردهای جزئی اما خاص واژه ها، برای مخاطبان متعارف می نماید.

گردون چرا به باد عدم داد آن ورق

کز نسخهٔ دوکون وجود انتخاب شد

شاعر از روزگار (آسمان، فلک، زمانه) دل خوشی ندارد و مقصّر اصلی واقعهٔ عاشورا را گردون معرفی می‌کند و معتقد است که در سرنوشت ما دخیل است، لذا می‌گوید: چرا از میان آن همه انتخاب، قرعه به نام امام حسین^(ع) و شهیدان کربلا افتاد؟

به طور کلی، تفکّر شیعی اهلی در این قصیده بسیار قوی است و شاعر که در ماتم امام حسین^(ع) و سایر شهیدان کربلا بسیار اندوهگین است، می‌کوشد علت وقوع این حادثهٔ دهشت‌زا را جستجو کند. وی در ابتدا مطابق تفکّر جبرگرایی، سرنوشت انسان‌ها را به آسمان نسبت می‌دهد، در ادامهٔ شعر بر مرکب عقل سوار شده، علت عمده را روی آوردن حاکمان آن روزگار به مال و مقام دنیوی برمی‌شمارد. انگیزهٔ اصلی اهلی را از سرودن مرثیه را نیز می‌توان در ابیات پایانی قصیده یافت که آن، شفیع قراردادن اهل بیت^(ع) جهت دستیابی به تشریف عفو و گذشت حضرت الوهیت است.

۴-۲ مرثیهٔ بابافغانی شیرازی

۱. ترکیب‌بند صبح عاشورا

با مطلع:

روز قیامتست صبح عاشور تو ای

تا صبح روز قیامت ظهور تو

(بابافغانی شیرازی، ۶۰-۵۷)

ای روشنائیِ شجرِ وادیِ نجف

هر ریگ کربلا شده طوری ز نور تو

روشنائی شجر وادی نجف: استعاره از امام حسین و نور، نیز شجر و طور، نجف و کربلا:

تناسب؛ تشبیه ریگ به کوه طور. از نظر ادبی، بابافغانی شیرازی در این ترکیب‌بند از ۱۱ آرایه بهره

برده است: ۹ تشبیه فشرده (الف قد)، ۸ تشبیه گسترده، ۱۲ استعاره مصرّحه (طوطی فصیح استعاره از امام حسین، دو رود: استعاره از اشک بسیار که از دو چشم جاری شده)، ۹ استعاره مکنیه، ۱۸ کنایه (دامن بر میان زدن: کنایه از آماده شدن، جمع خورده شراب جهنمی کنایه از یزید و شمر و سایر دشمنان امام)، ۴ مجاز مرسل، ۱۲ مراعات نظیر (فصیح، منطوق و لحن، عزم و سفر و راه)، ۵ تلمیح، ۳ اغراق و مبالغه، ۲ ترکیب وصفی، ۲ تضاد، و نیز ۱ پارادوکس و ۱ تجاهل العارف، هر کدام ۱ مورد.

بس فتنه‌ها که بر سر مروانیان رسید

وقتِ طلوعِ اخترِ گردونِ کربلا

مصراع دوم: تتابع اضافات؛ واج‌آرایی: حرف ر؛ قید زمان پس از فعل آمده است؛ واژه‌های

عربی: فتنه، مروان، وقت، طلوع، اختر، کربلا.

از آنجایی که شاعر در سرایش این شعر رثایی مختار بوده است، توجّه به ظواهر کلام در آن کمتر دیده می‌شود. ۳ تتابع اضافات (روشنایی شجرِ وادیِ نجف)، اسجع، ۴ جناس (طور و نور)، ۲ واج‌آرایی (حرف ر: روشنایی شجر هر ریگ کربلا نوری طور) و ۶ واژه‌آرایی بر موسیقی زبان افزوده است. واژه‌های عربی در شعر بابافغانی نیز از بسامد بالایی برخوردار و مفردات و جمع‌های مکسر بسیاری از زبان عربی وارد این ترکیب‌بند شده‌اند. واژه‌ها، به ویژه حروف ربط و اضافه با کاربردهای خاص در جهت تقویت معنا به کار رفته‌اند. ۷ تقدیم فعل و جابه‌جایی اجزای جمله و ۳ جملات انشای نحو کلام منظوم را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند، اما در مجموع از نظر زبانی، مرثیه طولانی بابافغانی چندان غنی نیست.

در هر قبیله از قبل خوان اهل بیت ماتم رسیده‌ای شده مجنون کربلا

دهه نخست محرم در حقیقت خوان عطای امام حسین^(ع) است و برکات بسیاری را می‌توان از سفره ابا عبدالله به دست آورد و درس‌های بسیاری را به خاطر سپرد؛ لذا شاعر می‌گوید از هر قوم و قبیله و از هر مذهب و آئینی، عزاداران گرد هم آمده‌اند و مجنون وار در سوگ شهیدان کربلا نوحه و عزا برپای داشته‌اند.

بابافغانی مانند اهلی شیرازی به عظمت خاک کربلا و هولناکی حوادث روز عاشورا اشاره کرده و ضمن برشمردن فضایل معنوی امام حسین^(ع) و شهدای کربلا، قیام آن حضرت را در ردیف راه سایر امامان شیعه و همسو با آنان قرار داده است. وی با ذکر نام و نشان معصومین^(ع) به ویژه امام دوازدهم از آنان استمداد طلبیده تا کفر و نفاق و بی دینی را در جهان نابود کند و انتقام خون حسین^(ع) و یارانش را از ستمگران و حکمای جور بستانند.

واژه‌های پرسامدر مرثیه‌های اهلی شیرازی

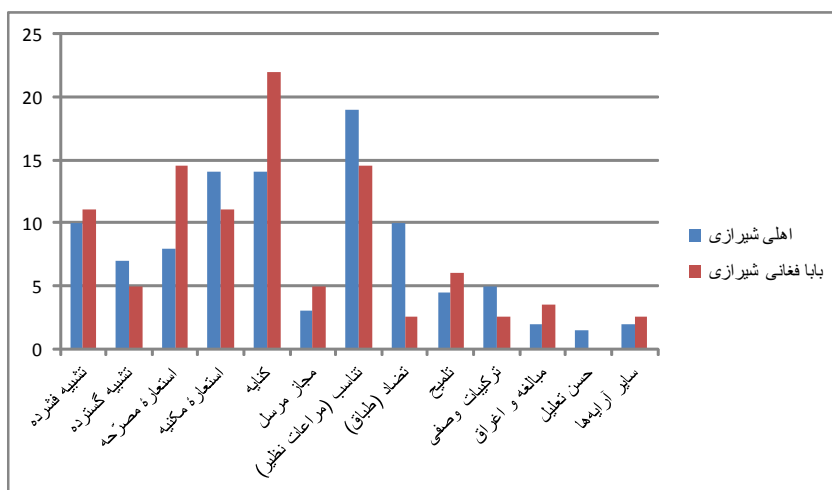
واژه	بسامد	واژه	بسامد	واژه	بسامد
حق	۴۴	کربلا	۳۸	غم	۳۰
آب	۴۰	سوختن	۳۶	علی ^(ع)	۲۸
حسین ^(ع)	۴۰	فلک	۳۱	یزید	۱۷
شهید	۳۹	خون	۳۱	سگ	۱۷

واژه‌های پرسامد در ترکیب‌بند رباعی بابافغانی شیرازی

واژه	بسامد	واژه	بسامد
اهل بیت ^(ع)	۱۲	غم	۶
کربلا	۱۲	حسین ^(ع)	۵
رسول ^(ص)	۸	خون	۵
خدا	۷	محشر	۴

جدول تعداد ابیات مرثیه‌های دو شاعر مورد پژوهش

ردیف	تعداد (شمار)	اهلی شیرازی	بابا فغانی شیرازی
۱	مرثیه	۷	۱
۲	بیت	۲۰۸	۵۹



نمودار آرایه‌های ادبی در مرثیه‌های دو شاعر مورد پژوهش

جدول آرایه‌های زبانی در مرثیه‌های دو شاعر مورد پژوهش

ردیف	آرایه زبانی	اهلی شیرازی	بابا فغانی شیرازی
۱	جناس	۳۲	۴
۲	سجع	۱۳	۱
۳	واج آرایبی	۲۰	۲
۴	واژه آرایبی	۵۵	۶
۵	تتابع اضافات	۱۱	۳

نتیجه

۱. انگیزه شاعران در سرودن مرثی، کسب اجر اخروی بوده و خود در ابیات پایانی قصاید به مقصودشان اشاره کرده‌اند.
۲. مضامین به کاررفته در مرثیه‌ها همان است که عوام نیز بر زبان می‌آورند و البته فاقد خلاقیت است و در همه اشعار رثایی عاشورایی کمابیش تکرار شده‌اند.
۳. مرثیه‌ها غالباً در وزن‌هایی محزون و با آهنگ افتان سروده شده‌اند، اما گاهی عکس آن نیز دیده می‌شود.
۴. از منظر فکری، بیشتر شاعران براساس یک اعتقاد قدیمی در حادثه کربلا سپهر و چرخ را در سرنوشت انسان‌ها دخیل می‌دانند و علاوه بر یزید و شمر و سایر دشمنان اسلام، آسمان را نیز نکوهش می‌کنند.
۵. شاعران در مرثی خود از امامان شیعه یاد کرده و از آنان در انهدام ظالمان جهان استمداد کرده‌اند، به خصوص علی^(ع).
۶. اهلی شیرازی و بابافغانی شیرازی از تأثیرگذاران بر شاعران عاشورایی پس از خود هستند؛ اهلی شیرازی در خلال اشعارش به مضامینی اشاره می‌کند که مؤید تفکرات شیعی اوست و ذکر مناقب معصومین^(ع) و به ویژه امام حسین^(ع) در شعر او بسیار قابل توجه است. وی به توصیف وقایع کربلا و ابعاد مختلف این واقعه پرداخته که سبب ماندگاری شعرش شده است. بابافغانی شیرازی نیز که به سبب آهنگ، یکدستی و غزویت اشعارش پیشینیان او را به عنوان «حافظ کوچک» ملقب ساخته‌اند، شاعری عاشق اهل بیت^(ع) و دلسوخته بود. شیفتگی‌اش نسبت به آل علی^(ع) و مظلومیت آنان به ویژه امام حسین^(ع) در کربلا در تعبیر تخلص او به فغانی بی‌تأثیر نبوده است.
۷. همه مرثیه‌ها از زبان و لحنی ساده و دور از تکلف برخوردارند، اما دارای اغراق هستند؛ هرچند در این مرثیه‌ها، از دیدگاه ادبی شاعران به صناعات شعری چندان وقعی نمی‌نهند، اما اهلی شیرازی نسبت به شاعر دیگر هنری‌تر است؛ زیرا اهلی از علوم ادبی اطلاع فراوان و به صنایع ادبی علاقه خاصی داشت.

۸ اشعاری که درباره امام حسین^(ع) سروده شده‌اند، همراه با ستایش آن حضرت و بیانگر تفکر شیعی شاعرانند؛ در مرثیه‌ها - چنانکه در آیین تعزیه مرسوم است - از گفتگو خبری نیست و آنچه می‌خوانیم، صدای شاعر است که احساسات خود را نسبت به شخصیت‌هایی چون امام حسین^(ع)، یزید و شمر و دیگران بیان می‌کند. توصیفات شاعران از سیدالشهدا^(ع) در ابیات بسیاری با احترام کامل و با صفاتی درخور ایشان بیان می‌شود، اما آنجا که سخن به ناچار به یزید، شمر و دشمنان دین می‌کشد، شاعران آنان را به باد لعن و نفرین می‌گیرند؛ درصد ابیاتی که یزید و شمر را در پستی و زبونی همچون سگ دانسته‌اند قابل توجه است.

۹. در مرثیه‌های شاعران مورد پژوهش، موارد مشابهی دیده می‌شود. اهم آنها عبارتند از: عدم توجه به آرایه‌های ادبی و استفاده ناآگاهانه اغلب آنها، مضامین سابقه‌دار و تکراری در آرایه‌ها و محدود بودن تعداد آرایه‌های ادبی (حداکثر ۱۸ آرایه).

داشتن لحن حماسی و استفاده از اوزان سنگین متناسب با موضوع، کاربرد ردیف در جهت افزایش موسیقی کلام، استفاده فراوان از واژه‌های عربی و سادگی و روانی زبان. ستایش امام حسین^(ع)، توجه ویژه به علی^(ع)، مقصر دانستن فلک و آسمان در حادثه کربلا (جبرگرایی)، عدم حضور اصحاب عاشورا در مرثیه‌ها، حضور پررنگ امامان شیعه، لعن و نفرین دشمنان امام حسین^(ع)، احساسات و عواطف عمیق مذهبی شاعر و طلب مغفرت از پروردگار به واسطه سرایش مرثیه‌ها.

۱۰. با مقایسه اشعار عاشورایی اهلی شیرازی و بابافغانی شیرازی تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود: تعداد ابیات عاشورایی اهلی شیرازی (۲۰۸ بیت) تقریباً ۴ برابر ابیات بابافغانی شیرازی (۵۹ بیت) است. در اشعار این دو شاعر دیگر تشبیهات بلیغ بر تشبیهات گسترده رجحان دارند. استعاره مصرّحه در اشعار اهلی کمتر از استعاره مکّیّه است. در اشعار بابافغانی درست عکس این مسأله وجود دارد: استعاره مکّیّه کمتر از استعاره مصرّحه است. اهلی به کاربرد صناعات زبانی جناس، سجع، تکرار واج و واژه و تتابع اضافات بسیار توجه دارد، اما بابافغانی خیر. دایره لغات بابافغانی با گفتمان عاشورا (مانند کربلا، شهید، خون،...) نسبت به اهلی شیرازی محدودتر است.

۱۱. بیشتر تشبیهات به کاررفته در اشعار این شاعران، مسبوق به سابقه هستند و در شعر شاعران دیگر بسیار به کار رفته‌اند.
۱۲. وجود تشخیص با بسامد بالا، به اشعار عاشورایی هر دو شاعر، جان بخشیده است.
۱۳. بابافغانی به صنعت شعری تکرار (واج، کلمه، تتابع اضافات) توجهی نداشته است.
۱۴. صنعت جناس در شعر هر دو شاعر وجود دارد.
۱۵. درصد لغات عربی در همهٔ مرثیه‌ها چشمگیر است. بسیاری از واژه‌ها، حامل معانی غم‌انگیز هستند؛ همچون زخم، خون، غم، تنگدل، خسته و....
۱۶. از نظر نحوی، جمله‌ها اغلب دستورمند نیستند و غالباً فعل بر سایر اجزا مقدم شده که ضرورت شعری و گاه تأکید بر یکی از اجزای جمله، دلیل آن بوده است، با این وجود، زبان معمولی است و هیچ‌یک از ابیات از هنجار عدول نکرده و پیچیدگی ندارند. در ابیات پایانی همهٔ مرثی، شاعران با اتکا به اشعار خود، خواهان مغفرت الهی هستند.

منابع و مآخذ

- ۱- ارشادی فر، رضا. بررسی و تحلیل ساختار هنری، بلاغی و موسیقایی مرثیه در شعر فارسی از آغاز تا پایان قرن هشتم. رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدچمران اهواز: ۱۳۹۵.
- ۲- افسری کرمانی، عبدالرضا. نگرشی به مرثیه سرایی در ایران. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۱.
- ۳- امامی، نصرالله. مرثیه سرایی در ادبیات فارسی ایران. تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- ۴- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف. کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی، به کوشش حامد ربّانی. تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴.
- ۵- بابافغانی شیرازی. دیوان اشعار بابافغانی شیرازی. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۴۰.
- ۶- بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی یا تطور نثر فارسی. تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۱.
- ۷- تفضلی، آذر. فضائلی جوان، مهین. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۸- حکیم‌آذر، محمد. طرز بابا فغانی. نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
- ۹- رجبی، پروین. بررسی مرثیه و مرثیه سرایی در ادبیات فارسی از پایان عصر صفویه تا آغاز مشروطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی، دانشگاه ولی عصر رفسنجان: ۱۳۹۸.
- ۱۰- شمیسا، سیروس. سبک‌شناسی شعر. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
- ۱۱- _____ کلیات سبک‌شناسی. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۴.
- ۱۲- صالحی مازندرانی، محمدرضا و دیگران. گونه‌های سبکی در مرثیه سرایی فارسی. بهار ادب، شماره ۲۵، صص ۴۲ - ۲۳، پاییز ۱۳۹۳.
- ۱۳- صفاء، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران، ۸ مجلد. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۶۸.
- ۱۴- صمدبین، حسین. بررسی سبک شاعری اهلی شیرازی در زمینه انواع شعر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی: ۱۳۸۹.
- ۱۵- صمدزاده، الناز. بررسی عاشورا سروده‌های دوره صفویه وقاجاریه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و

ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه: ۱۳۹۲.

۱۶- کارگر، محمدحسین. شرح احوال و نقد آثار اهلی شیرازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌و ادبیات

فارسی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان: ۱۳۸۹.

۱۷- مؤتمن، زین‌العابدین. شعر و ادب فارسی. تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۴.

۱۸- مؤذنی، علی‌محمد و ضیغمی، امیر. تاثیر بابافغانی بر جریان‌های شعری عصر صفوی. پژوهش‌نامه زبان و

ادب فارسی (گوهر گویا)، دوره پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸) تابستان ۱۳۹۰.

۱۹- نبی‌لو چهرقانی، علیرضا. بررسی و توصیف حوادث کربلا در اشعار اهلی شیرازی. شیعه‌شناسی، دوره ۷،

شماره ۲۷، صص ۹۹ - ۱۵۷، ۱۳۸۸.

۲۰- نفیسی، سعید. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ۲ جلد. تهران: انتشارات فروغی، ۱۳۶۳.

۲۱- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر اهورا، ۱۳۸۹.

۲۲- یوسفی، غلامحسین. چشمه روشن. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

Artistic images in the Assyrian poems of Ahli Shirazi and Babafghani Shirazi

Samayeh Parvaeian¹, Hamid Negarsh², AhmadReza Nazari Chorodeh³

Abstract

Lamentation in the term means composing poetry in a person's mourning and has existed since the first periods of Persian poetry. In the Safavid era, this type of literature was linked to the Karbala incident and gradually became a stable culture. Since then, Shiite poets have written religious poems, especially Ashura poems, detailing their events. Ahli Shirazi and Babafghani Shirazi are among the great poets of the Safavid era who wrote exhilarating poems in the mourning of Imam Hussein (AS) and the martyrs of Karbala. In this research, 267 bits of Ashura poems of the mentioned poets have been studied from the perspective of literary images by statistical analysis of data; The people of Shiraz have more artistic uses than Baba Faghani Shirazi. Most of the laments have heavy weights and a calm and sad tone. The frequency of Arabic words as well as words with the mourning discourse of Ashura (such as Karbala, blood, martyr, sorrow, etc.) is significant in all elegies. The syntactic structure of many sentences is necessarily confused with poetry, but these changes are common in poetry and are not considered prominence. Intellectually, all the elegies confirm that the poets are Shiites; Attributing the incident of Ashura to the sky, which is a kind of determinism, is significant in these poems. The most important result of the present study is to reveal the literary similarities and differences between the laments of these two poets and to know their views on the martyrs, which leads to the cultivation of the soul in the clear source of Ashura mourning .

Keywords: elegy, Imam Hussein, literary images, Ahli Shirazi, Babafghani Shirazi.

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran.

Email: parvaeian@auak.ac.ir

2. Head of Imam Sadeqh Humanities Research Institute. (Author)

Email: mh.negaresh@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran.

Email: a.nazari@iau-astara.ac.ir